



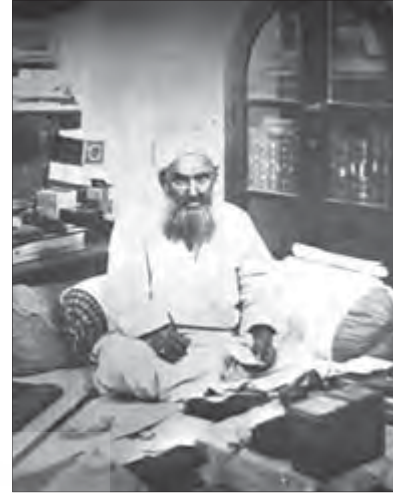
تاریخ معاصر راوی خط سرخ شهادت

مروری بر عنصر شهادت طلبی در تاریخ معاصر

نورا چمران

اشاره:

امروز، وقتی که از بام تاریخ، به تاریخ پیشینیان می‌نگریم، وعده راستین الهی را تحقق یافته می‌بینیم که «خدای متعال می‌خواهد حق را با کلمات خویش استقرار دهد و دنباله کافران را ببرد تا حق را استقرار دهد و باطل را نابود کند هر چند گناهکاران را بد آید». شهیدان، با ظاهری در زمین و شریک در غفلت زمینیان می‌زیستند، ولی دیده بر باطن عالم و حقیقت دنیا گشوده بودند. شهادت، پایان غربت بشر و آغاز قربت انسان است. شهادت، پل پیوند زمین و آسمان است و شاهدان، غریبه‌هایی مظلوم در زمین هستند. ما این چنین در پیچ و خم قافیه گم شده ایم و آنها رفتند...



درسي به نام شهادت

درس ماندگار عاشورا براي آيندگان اين بود كه تحقق آرمان‌هاي مقدس الهي به علت كثرت جبهه باطل و غبار غليظ فتنه، كان لم يكن تلقى مي شود، پس بايد از جان مایه گذاشت تا به نصرت كلام حق در پس پرده باطل دست يافت و اين همان مفهوم عميق شهادت است. نگاهی به تاريخ انقلاب‌هاي اسلامي در عراق و ايران نشان مي دهد، مبارزان و مجاهدان اين نهضت‌هاي ديني با الهام از عاشوراى امام حسين (ع) و بانصب العين قرار دادن فرهنگ شهادت از هيچ تهديد و مجازاتي هراس نداشتند و حداطلاي آن را شهادت مي دانستند كه خود فخر و سعادتى بزرگ بود.

جهاد و شهادت سدى در برابر استعمار

مبارزات مسلمانان و علمای عراق كه در آغاز قرن بيستم ميلادي (۱۹۱۵ تا ۱۹۲۳) عليه قواى استعماري و به ویژه ارتش اشغالگر انگليسي آغاز گرديد و به قيام و انقلاب اسلامي در شهرهاي مقدس نجف، كربلا، سامرا، كاظمين و كوفه منتهى شد، امروز در آغاز قرن بيست و يكم در بين‌النهرين تكرر مي شود. رهبري علما و قيام مسلمانان در مقاومت و مبارزه با قواى اشغالگر نظامي امريكا، امروز خاطرات شورش مردم عراق را عليه قواى نظامي انگليس در جنگ جهاني اول و سال‌هاي پس از آن زنده مي كند. با سقوط امپراتوري عثماني كه سال‌ها بر عراق تسلط داشت، انگلستان سعي كرد با حمله نظامي به آن كشور، سياست استعماري خود را تحميل كرده و يك رژيم سلطنتي مورد حمايت خود را كه منافع استراتژيكي و انرژي لندن را تأمين سازد، در بغداد مستقر كند؛

ولي مردم مسلمان عراق به رهبري روحانيون حوزه علميه عراق، عليه اشغالگران انگليسي شوريدند و خواستار تشكيل يك نظام و دولت مستقل اسلامي در بين‌النهرين و عراق امروزي بودند.

مواضع انقلابي و ضد استعماري حوزه علميه عراق كه مراجع بزرگ تقليد در آن حضور

داشتند، بسيار چشمگير بوده و در حقيقت همبستگي امت اسلامي و جهانشمولي اين نهضت‌ها را نشان مي دهد. مثلاً آيت‌الله العظمي سيد محمد كاظم طباطبائي يزدي كه پس از درگذشت ميرزاى شيرازي در ۱۳۱۲ هجري قمرى به مرجعيت تامه رسيد و بسيارى در ايران، عراق و هندوستان از او تقليد مي كردند، در مجموع بيست فتواى جهاد بر ضد دول استعمارگر اروپايي صادر كرد. مؤلف و صاحب كتاب معروف فقهي «عروة الوثقى» در سال ۱۳۲۹ هجري قمرى (۱۹۱۱ ميلادي) زماني كه قواى انگليس به جنوب و قواى روس به شمال ايران وارد شدند و دست به جنائت و كشتار آزادخواهان زدند و نيز استعمارگران ايتاليائي به ليبى (از متصرفات عثماني) حمله و آن را تسخير كردند، وى فتواى جهاد بر ضد متجاوزان انگليسي، روسي و ايتاليائي را از حوزه نجف صادر كرد. در سال ۱۳۳۲ هجري قمرى (۱۹۱۴ ميلادي) در آغاز جنگ جهاني اول، آيت‌الله العظمي يزدي پس از آنكه نيروهاي انگليسي به جنوب عراق حمله و بندر بصره را تصرف كردند، بر ضد آنها و ديگر متجاوزان اروپايي به سرزمين‌هاي اسلامي اعلام جهاد و فرزند خود سيد محمد طباطبائي يزدي را به فرماندهي يكي از جبهه‌ها اعزام كرد كه در يكي از نبردها به شهادت رسيد.

يكى ديگر از فقهاي بزرگ حوزه نجف، شيخ فتح‌الله شريعت اصفهاني معروف به شيخ الشريعه است كه پس از سيد محمد كاظم طباطبائي يزدي و مرحوم ميرزا محمد تقى حائري شيرازي (معروف به ميرزاى دوم) به مرجعيت تامه مسلمانان و شيعيان رسيد و مجموعاً هشت فتواى جهاد صادر كرد كه در آنها،

مسلمانان سراسر جهان اسلام را به مقاومت در برابر استعمارگران و بيرون راندن آنها از سرزمين‌هاي اسلامي و طرد هرگونه حاكميت سياسي، نظامي، اقتصادي و فرهنگي آنان فرا خواند. شريعت اصفهاني قريب به يك قرن پيش در اين اعلاميه نظريات مربوط به تهاجم

رمز پيروزي امت اسلام در صدر اسلام و در عصر كنونى نيز داشتن روحيه شهادت طلبى است. نمونه برجسته ديگر از ايتارگرى‌ها و شهادت طلبى‌ها، دوران پرشكوه انقلاب اسلامي و دفاع مقدس مردم ايران است.

▼ اعتصاب بازار در اعتراض به رژیم شاهنشاهی



▼ تظاهرات انقلاب اسلامی



▼ آیت‌الله کاشانی



فرهنگی، امپریالیسم فرهنگی و سلطه‌گرایی جهانی را خلاصه می‌کند. او در جریان جنگ جهانی اول و اشغال عراق توسط قوای انگلیسی، فتوای جهاد بر ضد اشغالگران انگلیسی را صادر کرد و خود به همراه سایر علما، رهسپار جبهه‌های جنگ شد. وی در جبهه معروف قرنه در کنار مجاهدان و رزمندگان حضور فعال داشت و با مرحوم آخوند ملا کاظم خراسانی و مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی در مهاجرت اعتراض آمیز علما به کاظمین شرکت کرد.

در سال‌های ۱۳۱۲ تا ۱۳۲۱ هجری قمری در نجف، حضرات: آخوند ملا کاظم خراسانی، سید محمد کاظم طباطبائی یزدی، شریعت اصفهانی، محمد حسین نائینی غروی، فاضل شریبانی و شیخ هادی تهرانی حضور داشتند. در این زمان تمام فرد فرد علما و طلاب مجاهد و متفکر حوزه علمیه عراق تحت مراقبت روزانه مأموران و جاسوسان انگلیسی و خارجی بوده و کوشش عاملان سیاسی بیگانه، جلوگیری از وحدت مردم عراق و عشایر و علما و ترویج تفرقه‌افکنی به منظور شکست مبارزات مسلمانان بود. بسیاری از پیشوایان و مجاهدان روحانی که دهه‌های بعد در مبارزات ضد استعماری، رهبری مردم ایران و عراق را عهده‌دار شدند؛ مانند مرحوم آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی و مرحوم آیت‌الله العظمی مرعشی نجفی و دیگران، در آن زمان در سنین سی سالگی بوده و در جبهه‌های مختلف جنگ علیه اشغالگران انگلیسی شرکت کرده بودند.^۱

تاریخ معاصر به روایت خط سرخ شهادت

در صد سال اخیر، یعنی از اوایل سده چهاردهم هجری قمری تا زمان حاضر، نهضت‌ها، انقلاب‌ها، قیام‌ها و اقدام‌های متعددی توسط روحانیت شیعه انجام شده‌اند؛ از جمله نهضت تنباکو به رهبری میرزای شیرازی بزرگ. پس از آن، قیام مشروطیت و بعد از مشروطه، داستان شهید شیخ فضل‌الله نوری و پس از آن، انقلاب عراق که به رهبری روحانیت عراق و

مرحوم میرزای شیرازی کوچک (مرحوم میرزا محمدتقی شیرازی) انجام شد. بعد داستان مرحوم مدرس، قیام مرحوم خیابانی، قیام میرزا کوچک خان جنگلی و در سال‌های اخیر قیام آیت‌الله کاشانی و مسئله ملی شدن نفت و بعد داستان فداییان اسلام یعنی نواب صفوی و همفکرها و همراهانش و سپس انقلاب با عظمت امام خمینی (ره). اینها قیام‌ها و اقدام‌هایی هستند که توسط روحانیت ترتیب یافته و انجام و دنبال شده‌اند و همه مورخان معاصر، دخالت روحانیت را در این نهضت‌ها قبول دارند.

در جریان حکومت قاجار؛ انقلاب مشروطه، عهدنامه گلستان، قرارداد ۱۹۰۷، قرارداد ۱۹۱۹، نهضت تنباکو و نهضت جنگل واقع شده که در هر یک از این حوادث نیز شهادت طلبی‌ها و جان فشانی‌های فراوانی صورت گرفته است.

با شروع انقلاب مشروطه در سال ۱۹۰۶، رئیس‌علی در حالی که بیش از ۲۵ سال نداشت، از جمله پیشگامان مشروطه در جنوب ایران بود. وی در دوران دیکتاتوری محمدعلی شاه قاجار، علیه حکومت وی در جنوب دست به اسلحه برد و بوشهر را از سلطه عمال قاجار آزاد ساخت. در کشاکش جنگ، وقتی انگلیسی‌ها به دلیل وقوع انقلاب بلشویکی و خروج نظامیان روسی از ایران به سمت شمال تعرضات خود را گسترش دادند، تنگستانی‌ها به حملات خود علیه انگلیسی‌ها شدت بخشیدند. در یکی از این شبیخون‌ها، دو ژنرال بلندپایه انگلیسی همراه با ده‌ها سرباز انگلیسی

و هندی جان خود را از دست دادند و آنها در حمله شبانه، بوشهر را در سال ۱۳۳۳ ه. ق اشغال کردند. وقوع این حادثه منجر به قیام تنگستانی‌ها شد. رئیس‌علی و شیخ حسین چاه‌کوتاهی و زایر خضرخان اهرمی؛ سه نفر از معتمدین دلیر تنگستان تصمیم گرفتند که علیه دشمن قیام نموده و در مقام مدافع از

امام خمینی (ره) بر این عقیده بودند که ما بندگان خدا هستیم و در راه او حرکت و پیشروی می‌کنیم، اگر شهادت نصیب شد سعادت است و اگر پیروزی نصیب شد، سعادت است و ملت‌تی که با فرهنگ شهادت طلبی آراسته شد، شکست‌ناپذیر است.



خارج سازد. در کشاکش قیام شیخ محمد خیابانی، دولت وثوق الدوله سقوط کرد و کابینه مشیرالدوله زمام امور را به دست گرفت. مخبرالسلطنه به دستور مشیرالدوله برای پایان دادن به قیام خیابانی، عملیات نظامی بزرگی علیه نیروهای وفادار به خیابانی به راه انداخت.

در جریان این نبرد، نیروهای شیخ به شهادت رسیدند و شیخ محمد خیابانی نیز در ۲۲ شهریور ۱۲۹۹ شهید شد. پس از شهادت شیخ محمد خیابانی و انقراض سلسله قاجار و روی کار آمدن حکومت وابسته پهلوی، بیشترین مبارزه و پایداری در برابر استبداد رضاخانی، از سوی مجاهد فی سبیل الله شهید آیت الله سید حسن مدرس صورت گرفت. این مجاهدت و مقاومت تا بدانجا ادامه یافت که رضاخان حضور او را برنتابید و او را به کاشمر تبعید و سپس در حال نماز به شهادت رساند. امام خمینی (ره) به مدرس علاقه فراوانی داشت و درباره وی چنین فرمودند: «... در واقع شهید بزرگ ما مرحوم مدرس که القاب برای او کوتاه و کوچک است، ستاره درخشانی بود بر تارک کشوری که از ظلم و جور رضاشاهی تاریک می نمود و تا کسی آن زمان را درک نکرده باشد، ارزش این شخصیت عالی مقام را نمی تواند درک کند.»^۳

انقلاب اسلامی ایران؛ خونهای شهیدان

رضاخان، در آغاز حرکت قدرت طلبانه خود، برای فریب افکار عمومی، تظاهرات مذهبی برپا می کرد و پس از رسیدن به سلطنت، پیاده کردن سیاست های سکولار و ضد مذهبی خود را آغاز کرد. سیاست های او عمدتاً از غرب دیکته می شد؛ لذا در فرآیند اجرای این سیاست ها، به زودی با مخالفت و مقاومت عمومی مواجه گشت. ابتدا مردم فارس و آذربایجان به مقابله برخاستند و سپس مردم خراسان در قیامی بی نظیر؛ یعنی قیام مسجد گوهرشاد، پایه های به ظاهر مستحکم حکومت او را لرزاندند.

دانی که رحلت آقامصطفی بر دل های عاشقان امام نهاده بود، به انبار باروتی می مانست که با جرقه ای هر چند کوچک، انفجار مهیبی را باعث می شد و مقاله رشیدی مطلق در حکم این جرقه بود.

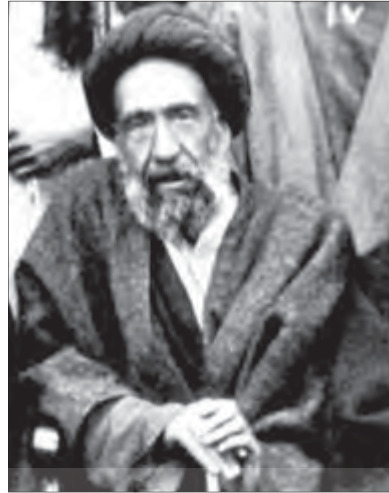
وطن برآیند. در جریان یکی از این حملات، رئیس علی دلواری در سوم سپتامبر ۱۹۱۵ از پشت سر، هدف گلوله یکی از همراهان خائنش قرار گرفت و به شهادت رسید؛ اما نهضتی که او در جنوب ایران به راه انداخت، تا سال ها مایه وحشت انگلیسی ها بود.^۲

پس از آنکه شیخ فضل الله نوری، جان خویش بر کف نهاد تا از انحراف پیش آمده در جریان مشروطیت جلوگیری کند، علما و مجاهدان دیگری از تبار تشیع، با گام نهادن در خط سرخ شهادت، حماسه ای دیگر را رقم زدند.

شیخ محمد خیابانی از جمله مبارزانی است که در سال های پایانی حکومت قاجار در نقاط مختلف کشور به مقابله با استعمار و استبداد پرداخت. یکی از پیمان های استعماری دربار لندن که موجب افزایش قابل ملاحظه سلطه سیاسی انگلیسی ها در ایران شد، پیمان موسوم به «قرارداد ۱۹۱۹» بود. به موجب این قرارداد که در مرداد ۱۲۹۸ با دولت وثوق الدوله منعقد شد، امتیاز راه آهن و راه های شوسه در سراسر کشور به انگلیس واگذار شد و ارتش و دستگاه مالیه ایران، زیر نظر مستشاران سیاسی و اقتصادی بریتانیا قرار گرفت. روحانیون مبارز از جمله شیخ محمد خیابانی و سیدحسن مدرس در جریان مخالفت ها و اعتراضات عمومی مردم علیه پیمان ۱۹۱۹، به وثوق الدوله که عاقد این پیمان بود، به شدت اعتراض کردند. او قرارداد ۱۹۱۹ را مضر به حال مملکت و ناقض حاکمیت ملی و استقلال ایران خواند و در تهران با وعظ، خطابه و نگارش مقاله، به تشریح ابعاد خطرناک این پیمان پرداخت. او برای واداشتن وثوق الدوله به لغو معاهده، در بهار ۱۲۹۹ ش.

به مبارزه مسلحانه روی آورد و در روزهای میانی فروردین همان سال، در برنامه ای از پیش طراحی شده، تمامی ادارات و مراکز دولتی تبریز را تصرف کرد. وی با گسترش این قیام به دیگر شهرهای آذربایجان، توانست این خطه را از حاکمیت دولت وثوق الدوله

در جریان حکومت قاجار؛ انقلاب مشروطه، عهدنامه گلستان، قرارداد ۱۹۰۷، قرارداد ۱۹۱۹، نهضت تنباکو و نهضت جنگل واقع شده که در هر یک از این حوادث نیز شهادت طلبی ها و جان فشانی های فراوانی صورت گرفته است.



کرده بود و قیام پانزده خرداد ۱۳۴۲، توطئه استعمار سرخ و سیاه معرفی شده بود. روزنامه رستاخیز نیز در همان روز، تظاهرات گروه قابل توجهی از زنان مشهد را در مخالفت با کشف حجاب «تظاهراتی از یک اتحاد نامقدس» نامید. داغی که رحلت آقامصطفی بر دل‌های عاشقان امام نهاده بود، به انبار باروتی می‌مانست که با جرقه‌ای هر چند کوچک، انفجار مهیبی را باعث می‌شد و مقاله رشیدی مطلق در حکم این جرقه بود، تا مجدداً تظاهرات گسترده‌ای علیه رژیم تدارک دیده شود. حوزه علمیه قم به دنبال درج مقاله در روزنامه اطلاعات، حالت غیرعادی به خود گرفت و طلاب با رفتن به منازل مراجع، اعتراض خود را به رژیم شاه اعلام داشتند و با پیوستن مردم قم به جمع طلاب، این اعتراضات تبدیل به قیام نوزدهم دی ماه شد.

روز نوزدهم دی ماه ۱۳۵۶، دروس حوزه و بازار تعطیل شد و بازاریان به صفوف طلاب که از چند روز پیش اجتماع کرده و شعارهایی علیه نظام می‌دادند، پیوستند و بدین سان موجی از اقشار مختلف مردم، زنان، کارگران، کسبه، دانشجویان و دانش‌آموزان در مقابل مدرسه خان و میدان استانه و خیابان صفاییه در صبح و بعد از ظهر تجمع کردند و شهر قم، حالت روز عاشورا به خود گرفت. موج جمعیت در روزهای پیش از نوزدهم دی ماه و روز نوزدهم، به منزل مراجع می‌رفتند و با شنیدن سخنرانی مراجع، روحیه شهادت‌طلبی در آنها قوت بیشتری به خود می‌گرفت تا اینکه هنگام غروب روز دوشنبه نوزدهم دی ماه ۱۳۵۶، جمعیت مورد حمله نیروهای امنیتی رژیم قرار گرفت. با شروع پیکار خونین، جمعیت به خاک و خون

کشیده شدند، طوری که به شهادت آمار، حدود پانزده نفر از اقشار مردم، در آن روز به یاد ماندنی شهید و یا زخمی شدند. با قیام قم، آهنگ حرکت انقلاب به صورت «استراتژی چهارم» ی پشت سر هم، با صورت و محتوای کاملاً اسلامی شتاب فراینده و گسترده‌تری به خود گرفت و رهبری امام در این حرکت به عنوان نقش اصلی مبارزه با رژیم شاه ظاهر شد.^۱ رمز پیروزی امت اسلام در صدر اسلام و در

در فاصله میان فاجعه مدرسه فیضیه و ماه محرم (۲ فروردین تا ۴ خرداد ۴۲) مبارزه امام اغلب در قالب صدور اعلامیه‌های متعدد بود. فرا رسیدن ماه محرم، وضعیت را به یک رویارویی گسترده کشانید. ایام محرم بهترین موقع برای افشای جنایات رژیم و برنامه‌های ضد اسلامی شاه بود. به همین خاطر، امام خمینی (ره) در نشستی با مراجع و علمای قم، پیشنهاد کردند که در روز عاشورا هر یک از آنها برای مردم و عزاداران حسینی اعتراض کرده و از مظالم و جنایات رژیم پرده بردارند و خود ایشان نیز ساعت ۴ بعد از ظهر عاشورای ۴۲ که مصادف با ۱۳ خرداد آن سال بود، برای ایراد سخنرانی به طرف مدرسه فیضیه رهسپار شدند. سخنان افشاگرانه امام، شاه را نزد مردم تحقیر و رسوا کرد و دو روز بعد از سخنرانی امام، در سحرگاه ۱۵ خرداد امام را دستگیر کرده و بلافاصله به تهران آوردند. به دنبال انتشار خبر بازداشت امام، اعتراضات گسترده‌ای در قم، تهران، ورامین، مشهد و شیراز برگزار شد که با شعارهای ضد شاه و در طرفداری از امام همراه بود. مأموران نظامی که در نقاط مرکزی و حساس شهرهای قم و تهران مستقر بودند، به روی تظاهرکنندگان آتش گشودند. مردم نیز با چوب و سنگ به دفاع از خود برخاستند. تظاهرات در آن روز و دو روز بعد نیز ادامه یافت و هزاران نفر از مردم شهید و مجروح شدند. فجیع‌ترین حادثه، به شهادت رساندن دهقانان کفن‌پوش ورامینی بود که در پشتیبانی از امام راهی تهران شده بودند. مأموران نظامی در سر پل باقرآباد با آنها روبرو شده و با سلاح‌های سنگین آنها را شهید کردند.

روز شنبه هفدهم دی ماه ۱۳۵۶، روزنامه اطلاعات در قم پخش شد. در صفحه هفتم روزنامه، مقاله‌ای با عنوان «ایران و استعمار سرخ و سیاه» با نام مستعار «احمد رشیدی مطلق» نظر خوانندگان را به سوی خود جلب کرد. نویسنده در آن مقاله، به طور صریح بی‌حجابی را فضیلت دانسته و حجاب؛ کهنه‌پرستی و ارتجاع سیاه معرفی شده و به امام خمینی، بزرگ مرجع عالم تشیع، اهانت

امام خمینی (ره) «... در واقع شهید بزرگ ما مرحوم مدرس که القاب برای او کوتاه و کوچک است، ستاره درخشانی بود بر تارک کشوری که از ظلم و جور رضاشاهی تاریک می‌نمود و تا کسسی آن زمان را درک نکرده باشد، ارزش این شخصیت عالی مقام را نمی‌تواند درک کند.»



عصر کنونی نیز داشتن روحیه شهادت طلبی است. نمونه برجسته دیگر از ایثارگری‌ها و شهادت طلبی‌ها، دوران پرشکوه انقلاب اسلامی و دفاع مقدس مردم ایران است. امام خمینی (ره) با بیانات گویبار و تدبیرهای به موقع، روحیه شهادت طلبی را در مردم ایران دمیدند و بر این اساس، تحولات عظیم و پیشرفت‌های مستمر نصیب امت اسلامی شد. امام خمینی (ره) بر این عقیده بودند که ما بندگان خدا هستیم و در راه او حرکت و پیشروی می‌کنیم، اگر شهادت نصیب شد سعادت است و اگر پیروزی نصیب شد، سعادت است و ملتی که با فرهنگ شهادت طلبی اراسته شد، شکست ناپذیر است.

امام خمینی (ره) در ۱۶ شهریور سال ۱۳۵۹ در پیامی به مناسبت سالگرد فاجعه خونین ۱۷ شهریور، تأکید کردند که انس ملت با شهادت، خشتی‌کننده توطئه دشمنان است. ایشان بر شهادت طلبی مردم ارج نهاده و خطاب به ملت ایران فرمودند: ملت بزرگ ایران، روزهایی چون ۱۷ شهریور در نهضت خود داشت و بحمدالله با تمام مشکلات و تقدیم شهدای ارجمند به اسلام عزیز و کشور و با فداکاری‌های طاقت‌فرسا، از میدان جهاد سرفراز و پیروزمند بیرون آمد و آن کار، جهانیان را به خود جلب نمود. دشمنان ما گمان می‌کردند با توطئه‌های فرسایشی می‌توانند نهضت اسلامی و انقلاب شکوهمند این ملت شهیدپرور را به سردی و سستی سوق دهند، غافل از آن که قیامی که برای خدا است و نهضتی که براساس معنویت و عقیده است، عقب‌نشینی نخواهد کرد. ملت ما اکنون به شهادت و فداکاری خو گرفته است و از هیچ دشمنی و هیچ قدرتی و هیچ توطئه‌ای هراس ندارد. هراس آن دارد که شهادت، مکتب او نیست. ملتی که تازه عروس و تازه دامادش برای شهادت داوطلبند و خود را برای هر پیشامدی در راه خدا مهیا کرده‌اند، از چه می‌ترسند؟ ملتی که شهادت برای او سعادت است، پیروز است. ملتی که خود و همه چیز خود را برای اسلام می‌خواهد، پیروزمند است.^۵

روحیه شهادت طلبی در ایرانیان مسلمان سبب پدید آمدن قدرت رعب‌آور بسیج و نیرو و تفکر بسیجی شد که مبتنی بر تمام آموزه‌های اسلامی از جمله شهادت طلبی و رسیدن به پیروزی و شهادت است.

دفاع مقدس؛ جلوه بارز شهادت طلبی‌ها
دفاع مقدس یکی از بارزترین جلوه‌های شهادت طلبی و سند مقاومت و مظلومیت ایرانیان برای همیشه در خاطره تاریخ ثبت و ضبط است. دشمن تا دندان مسلح که با اتکای همه قدرت‌های استعماری جهان به انقلاب نوپای ما یورش برده و خاک پاک

ایران را مورد تجاوز قرار داده بود، برای محو ارزش‌های ملتی عزم جزم کرده بود که هنوز شیرینی انقلاب را در کام داشت. ملتی که فرزندان عزیز و چون رجایی، باهنر، بهشتی و یاران، مطهری و... را به پای اسلام و انقلاب فدا کرده بود، نمی‌توانست به بیگانگان اجازه دست‌درازی دهد. روحیه شهادت طلبی در ایرانیان مسلمان سبب پدید آمدن قدرت رعب‌آور بسیج و نیرو و تفکر بسیجی شد که مبتنی بر تمام آموزه‌های اسلامی از جمله شهادت طلبی و رسیدن به پیروزی و شهادت است. اگر بتوان همچون روزهای نخست انقلاب و هشت سال دفاع مقدس این باور و روحیه را زنده و جاوید نگاه داشته و توسط احاد جامعه آن را بسط و گسترش داد، هیچ‌گاه زبون و شکست‌خورده نخواهیم ماند.

آنچه که از ابتدای اسلام تاکنون در دل دشمنان وحشت ایجاد کرده است، روحیه ایثار و شهادت طلبی است؛ از این رو دشمنان تلاش می‌کنند تا به هر نحو ممکن، این روحیه را از ما بگیرند و یا آن را کم رنگ کنند، اما قدرتی که در پرتو ایمان و توکل به خدادر مسلمان ایجاد می‌شود، چیزی نیست که به آسانی کم‌رنگ شده و یا از بین برود؛ مادامی که انسان به سرچشمه قدرت لایزال الهی متصل باشد، هیچ نیرویی نخواهد توانست او را به شکست و تسلیم بکشاند.

پی‌نوشت‌ها:

۱. قیام مردم عراق؛ حمید مولانا؛ روزنامه کیهان، ۱۳۸۳/۱/۲۷.
۲. قیام دلبران تنگستان علیه متجاوزین انگلیسی؛ خبرگزاری فارس.
۳. مدرس؛ بنیاد تاریخ انقلاب اسلامی؛ ج ۲، ص ۲۷.
۴. قیام ۱۹ دی؛ بررسی علل، زمینه‌ها، چگونگی، بازتاب‌ها و نتایج؛ علی شیرخانی؛ سایت مرکز اسناد انقلاب اسلامی.
۵. صحیفه امام خمینی (ره)، ج ۱۳، ص ۱۸۱ (۱۶ شهریور ۱۳۵۹).